





نقش امام محمد باقر علیه السلام در جهان اسلام

مقدمه

شیعی تولد آن حضرت را در ۵۷ هجری دانسته اند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۶۹). امام محمد باقر علیه السلام میانه بالا و گندمگون و لاغر میان بود. پوستی شاداب و نرم و مویی مجعد داشت. صدایش نیکو بود و بر گونه-اش خالی دیده می شد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۱۰)، محمد بن منکدر ایشان را تنومند وصف کرده است (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۱). ابن سعد، نخست با نقل خبری از استاد خود و اقدی تاریخ رحلت آن حضرت را سال ۱۱۷ و مدت عمرشان را ۷۳ سال ذکر می کند، سپس می گوید که رحلت ایشان را در ۱۱۸ و ۱۱۴ هم دانسته اند (ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۲۳۸) ابن اثیر نیز عمر حضرت باقر علیه السلام را ۷۳ سال ثبت کرده و ۵۸ سال را نیز نسبت داده است (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۸۰). اما بیش تر مورخان شیعی و سنی وفات آن حضرت را در ۱۱۴ و اکثر سیره نویسان شیعه عمر وی را ۵۷ سال دانسته اند (مجلسی، بی تا، ج ۴۶، ص ۲۱۲-۲۱۹).

امام محمد باقر علیه السلام در علم، زهد، عظمت و فضیلت سرآمد همه بزرگان بنی هاشم عصر خویش بود و مقام بزرگ علمی و اخلاقی ایشان، مورد تصدیق دوست و دشمن بود. لقب آن حضرت «باقر» است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان عطا فرمود و در مورد ایشان فرمودند: «یَبْقِرُ الْعِلْمَ بَقْرًا» (او می شکافد علم دین را شکافتنی) (مجلسی، بی تا، ج ۴۶، ص ۲۲۲) امام محمد باقر علیه السلام در سخنان خود، اغلب به آیات قرآن مجید استناد نموده از کلام خدا شاهد می آورد و می فرمود: «هر مطلبی گفتم، از من بپرسید که در کجای قرآن است تا آیه مربوط به آن موضوع را معرفی کنم» (طبرسی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۶). جابر بن یزید جعفی که از موثقین راویان و اعظم ناقلین احادیث است می گوید: «عندی خمسون ألف حدیث، ما حدَّثْتُ مِنْهَا شَيْئًا، كُلُّهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ طَرِيقِ أَهْلِ الْبَيْتِ (نزد من پنجاه هزار حدیث موجود است که من یکی از آن ها را هم بیان ننموده ام، همه آن احادیث از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است از طریق اهل بیت علیه السلام) و محمد بن مسلم هم از حضرت امام محمد باقر سی هزار حدیث روایت کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۹۵). همچنین جعفی هر گاه می خواست سخنی در باب علم به میان آورد، می گفت: «جانشین خدا و میراث دار دانش پیامبران محمد بن علی برابیم این گونه گفت» (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۰). ابواسحاق سبیلی از دیگر فرهیختگان این دوره، آن قدر نظرات علمی امام را درست می پندارد که وقتی از او در مورد مسئله ای می پرسند، پاسخ را از زبان امام می گوید و می افزاید: «او دانشمندی است که هرگز کسی بسان او ندیده ام» (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۱). عبدالله

امامان معصوم علیه السلام، پس از رحلت پیامبر اسلام که فرهنگ و تمدن اسلامی را پایه ریزی فرمود، در طول حیات پربرکت خویش و با توجه به مقتضیات زمانی موجود، در شکل گیری فرهنگ و تمدن اسلامی، نقش تأثیرگذاری ایفا نمودند. در این بین و در بین امامان معصوم علیه السلام، حضرت علی، امام حسن، امام حسین و امام سجاد علیه السلام، بسترهای مناسب را فراهم کردند هرچند در این راستا با جهالت و ضلالت و جعل حدیث و دشمنی های آشکار و پنهانی مواجه بودند و موفق به تکوین فرهنگ و تمدن اسلامی آن چنان که باید و شاید، نشدند. امیرالمؤمنین علیه السلام که به تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله باب مدینه علم بود، جاهلان مانع نشر علوم آن حضرت می شدند. امام حسن، امام حسین و امام سجاد علیه السلام نیز با خلفای ظالم و مکار مواجه بودند. قیام امام حسین علیه السلام، نهضت و جنبش فکری در جامعه ایجاد کرد و امام سجاد علیه السلام در قالب راز و نیاز و تعلیم آن به دیگران، این جنبش را فعال نموده و ادامه دادند. پس از ایشان، امام محمد باقر و امام صادق علیه السلام، زمینه را برای رشد فرهنگ و تمدن اسلامی، مساعد دیده از این رو با شکافتن مسائل علمی و بحث از فنون مختلف، جویندگان و تشنگان حقیقی را سیراب نمودند. می توان گفت که بهترین موقعیت و شرایط یک نهضت و قیام بزرگ علمی در زمان امام محمد باقر علیه السلام و سپس امام صادق علیه السلام به وقوع پیوست و این موقعیت باعث شد تا آن امامان بزرگوار، به نشر و اشاعه حقایق و معارف الهی پرداخته و مشکلات علمی را تشریح و جنبش علمی دامنه داری را به وجود آورده و مقدمات تأسیس یک دانشگاه بزرگ اسلامی را که در دوران امامت امام صادق علیه السلام به اوج رسید، پی ریزی کنند؛ بنابراین در این مقاله، سعی شده است تا حد امکان، به نقش امام محمد باقر و امام صادق علیه السلام در فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخته شود.

تبار امام محمد باقر علیه السلام

امام محمد بن علی علیه السلام، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، امام پنجم از ائمه اثنا عشر و یکی از چهارده معصوم است. حضرت باقر علیه السلام از سوی پدر، نوه امام حسین علیه السلام و از سوی مادر، نوه امام حسن علیه السلام است. مادرشان فاطمه دختر امام حسن علیه السلام بود، از این رو در حق او گفته اند: علوی بود که از دو سوی علوی بود و فاطمی بود که از دو سوی فاطمی بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۰۸). همه منابع محل تولد آن حضرت را مدینه نوشته، ولی در سال ولادتشان اختلاف دارند. بیشتر منابع



یادگار گذاشتند (طقوش، ۱۳۸۵، ص ۶۹). شهید مطهری در این باره می‌نویسد: آن هدفی که در دوره امام حسین علیه السلام، شمشیر انجام می‌داد، در دوره امام محمد باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام درس، کتاب، بیان و قلم انجام می‌دهد. شرایط زمانی این دو امام با شرایط زمانی امام حسین علیه السلام دوتااست. در شرایط زمانی امام حسین فقط یک یزید قلدر در مقابل اسلام است. اسلام مسئله‌ای ندارد جز اینکه با این قلدر روبه روست، ولی در زمان امام محمد باقر و امام صادق علیه السلام علاوه بر قلدرها که باید با آنها مبارزه کرد و مبارزه می‌کردند مهم‌تر از مبارزه با قلدرها، مبارزه با گروه‌های فکری انحرافی است (مطهری، ۱۳۶۷، صص ۱۹۱-۱۹۲). در آن جو، ملحد‌ها، زندیق‌ها، ماتریالیست‌ها و مادیین به وجود آمدند، مکتب خودشان را تشکیل دادند و آزادانه به نشر عقاید خود می‌پرداختند. مسیحی‌ها آزادانه حرفشان را می‌زدند، صائبی‌ها عقاید خود را می‌گفتند، زردشتی‌ها و یهود نیز هر کدام، افکار عقاید خود را بازگو می‌کردند. حال در چنین زمانه‌ای، وظیفه، چه ایجاب می‌کند؟ آیا امام علیه السلام می‌تواند بگوید من همان راهی را می‌روم که جدم حسین بن علی علیه السلام رفت؟ نه اگر امام حسین در زمان امام دیگر بود همان را عملی می‌کرد، یعنی شیوه پرورش خود را نشر علم، بازگویی عقاید صحیح و پرورش شاگردان قرار می‌داد (مطهری، ۱۳۶۷، صص ۱۹۱-۱۹۲).

استفاده بهینه از فرصت‌ها

زمان امام محمد باقر علیه السلام، یعنی دهه‌های آخر قرن اول و دهه‌های اول و دوم قرن دوم هجری، زمان ظهور فقهای بزرگ مخصوصاً در مدینه بود. در این دوران، مسلمانان که از فتوحات خارجی و جنگ‌های داخلی تا حدودی فراغت یافته بودند و از اطراف و اکناف سرزمین‌های اسلامی برای فراگرفتن احکام الهی و فقه اسلامی به مدینه، روی می‌نهادند. فقها و محدثان بزرگی از جمله سعید بن مسیب (م ۹۴)، عروه بن زبیر (م ۹۴)، خارجه بن زید بن ثابت (م ۹۴)، ربیعة الرأی (م ۱۳۶)، سفیان بن عیینه و محمد بن شهاب زهری (م ۱۲۴) در این شهر جمع بودند. بخصوص که منع کتابت حدیث در زمان عمر بن عبدالعزیز لغو شده بود (عسکری، بی تا، ج ۲، ص ۴۴). در این دوران شکوفایی فقه و حدیث بود که دانش و معرفت امام محمد باقر علیه السلام و نیز فرزند او امام صادق علیه السلام، بر همگان آشکار شد و اصول و مبانی کلام و فقه و سایر معارف دینی شیعه که این دو امام بیش از همه می‌بین آن بودند، تدوین و توسط راویان و شاگردان ایشان به عالم پراکنده شد. بسیاری از مجتهدان و مؤسسان مذاهب فقهی دیگر از این دو امام فیض برده‌اند. نسایی از محدثان بزرگ اهل سنت آن حضرت را از «فقهای بزرگ تابعین»

بن عطاء که یکی از شخصیت‌های برجسته و دانشمندان بزرگ عصر امام بود، می‌گوید: «من هرگز دانشمندان اسلام را در هیچ محفل و مجمعی به اندازه محفل محمد بن علی از نظر علمی حقیر و کوچک ندیدم. من «حکم بن عتیبه» را که در علم و فقه مشهور آفاق بود، دیدم که در خدمت محمد باقر مانند کودکی در برابر استاد عالی مقام، زانوی ادب بر زمین زده شیفته و مجذوب کلام و شخصیت او گردیده بود (مدیر شانه جی، ۱۳۶۲، ص ۶۷). ذهبی نیز درباره امام محمد باقر علیه السلام می‌نویسد: از کسانی است که بین علم و عمل و آقایی و شرف و وثاقت و متانت جمع کرده و برای خلافت اهلیت داشت (ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۰۲).

ویژگی‌های سیاسی اجتماعی روزگار امام محمد باقر علیه السلام

روزگار امام محمد باقر علیه السلام بستری آماده برای نشر احکام دین و اسلام بود. این هنگام، برای امام محمد باقر علیه السلام فرصتی شایسته بود تا چهره زیبای حقایق دینی را از پس پرده‌های اوهام و خرافات اموی بیرون آورد و به مردم نشان دهد زیرا در این روزگار، اندک گشایشی پدید آمد که عصر انتشار فقه آل محمد یا به تعبیر دیگر، روزگار تعلیم و تدریس فقه جعفری بود (شهیدی، ۱۳۸۴، ص ۶۰).

شیوه‌های علمی و عملی امام محمد باقر علیه السلام

همه مؤلفان چه شیعه و چه سنی سبب ملقب شدن امام محمد باقر علیه السلام را به «باقر»، دانش فراوان او دانسته‌اند؛ و غالباً این نامگذاری را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانند که جابر بن عبدالله انصاری از آن حضرت نقل کرده است (ابن قتیبه، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۱۲). ابن عماد، آن حضرت را از فقهای مدینه بر شمرده که به سبب دانش فراوان و شناختن ریشه و درون آن، او را باقر خوانده‌اند (ابن عماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۴۹). ابن خلکان، صفدی و ذهبی نیز همین توضیح را آورده‌اند (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۳۱۴).

در زیر به چند مورد از شیوه‌های علمی و عملی امام محمد باقر علیه السلام می‌پردازیم:

حرکت بر اساس مقتضیات زمان

برای پرورش درست انسان‌ها، پیش از هر چیز باید با مقتضیات زمان آشنا بود و هم سو با مقتضیات زمان، برنامه ریزی کرد. امام محمد باقر علیه السلام و سپس امام صادق علیه السلام نیز به خوبی از این نکته آگاه بودند. ایشان بر اساس شرایطی که در روزگارشان پدید آمده بود، شیوه پرورشی و آموزشی خود را کتاب و بیان و قلم قرار داده و از آنجا که اوضاع زمان خویش را به درستی، درک و شیوه پرورشی خود را هم سو با روزگار خویش، تنظیم کرده بودند، در کار خویش موفق شدند و میراث بزرگی از دانش و اخلاق را برای بشریت به

بن خربوذ، بُرید العجلی، ابوبصیر اسدی و فضیل بن یسار نیز نام برد. به ابوحمزه ثمالی کتاب‌هایی در حدیث و تفسیر نسبت داده شده و گروهی از بزرگان اهل سنت از او اخذ حدیث کرده‌اند. جابر بن یزید که به گفته خود فقط ۷۰،۰۰۰ حدیث از امام محمدباقر علیه السلام فراگرفته بود (مجلسی، بی تا، ج ۴۶، ص ۳۴۰). از آن حضرت غالباً با عنوان «وصی الاوصیاء و وارث علم الانبیاء» یاد می‌کرد (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۳۷).

امام محمدباقر علیه السلام و فراهم آوردن فضای آزاداندیشی

آزادی، برترین سازوکار فعال کردن همه توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسانی است. هیچ کس نمی‌تواند در جامعه محروم از آزادی خدمت کند، توانایی‌هایش را پویا و موهبت‌های الهی را بالنده سازد (صدر، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

حضرت امام محمدباقر علیه السلام و همچنین امام صادق علیه السلام برای دست‌یابی به هدف‌ها و نیز اجرای مقاصد دیگری که بر خود فرض می‌دید، گذشته از برپایی حلقه‌های متعدد درس عمومی و خصوصی، به مناظره با دانشمندان برجسته شهرهای اسلامی و پیشوایان فکری فرقی مهم آن روزگار و عالمان سایر ادیان و برخی مدعیان راهبری معنوی مردم عنایت خاصی داشت. هم‌چنین از مراسم حج برای گفتگو با مسلمانان مناطق مختلف اسلامی بهره فراوان می‌بردند (مجلسی، بی تا، ج ۴۶، ص ۲۳۳-۲۸۶).

تشویق شاعران متعهد

شعری که از ارزش هنری شایسته‌ای برخوردار باشد، می‌تواند به فرهنگ و مذهب نیز خدمت کند. امام محمدباقر علیه السلام در مورد شعر به شاعران احترام قائل بودند طوری که شاعرانی چون گمیت را که با سرودن اشعار در نشر افکار شیعه تلاش می‌کردند، تشویق می‌کرد (کشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۰۷-۲۰۸).

در خبری آمده است که مردم دیدند که کثیرعزه سواره و امام محمدباقر علیه السلام پیاده می‌رفتند. به کثیر اعتراض شد. او گفت: امام به من چنین دستور داده. من سواره باشم و مطیع او بهتر است که عاصی بر او باشم و پیاده (طقوش، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹).

تبیین تفسیر، حدیث و کلام

مختصر فعالیت‌های علمی امام محمدباقر علیه السلام به شرح زیر است:

۱- تفسیر

از جمله تلاش‌های ارزنده علمی امام محمدباقر علیه السلام، تبیین مسائل کلامی و معارف دینی بود، زیرا در زمان آن حضرت، بحث‌های کلامی خوارج، رواج یافته بود و امام علیه السلام با شرح بسیاری از خطبه‌های حضرت علی علیه السلام در زمینه‌های توحید و صفات الهی، به بسط معارف

در مدینه شمرده است (ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۰۳) و به گفته او، همه حافظان حدیث در استناد و احتجاج به قول آن حضرت اتفاق دارند. ذهبی او را جامع مقام علم و عمل و بزرگی و شایسته مقام خلافت دانسته است (ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۰۲). شیخ مفید در باره جایگاه علمی آن حضرت می‌نویسد که بازماندگان صحابه و بزرگان تابعان و رؤسای فقهای مسلمانان از آن حضرت در مسائل دینی روایت کرده‌اند. به نوشته او، امام اخبار پیشینیان و پیامبران را روایت می‌کرد. مردم از او در باب مغازی و سیرت و سنت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حدیث می‌آموختند و در مناسک حج که از پیامبر نقل می‌کرد، بر او اعتماد داشتند و از ایشان تفسیر قرآن می‌نوشتند (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۵۷). از عبدالله بن عطاء مکی نقل شده است که دانشمندان را در هیچ مجلسی کوچکتر از آن ندیده‌ام که در محضر ابوجعفر دیده‌ام؛ حکم بن عتیبه (از فقهای بزرگ کوفه، متوفی ۱۱۵) (ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۰۸-۲۱۳) را در پیشگاه او به سان شاگردی نزد استاد دیدم (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۰۶). در زمان حضرت امام صادق علیه السلام، پایه‌های حکومت امویان، در اثر قیام‌های هواداران آل علی و آل عباس، در سراسر بلاد اسلامی، سست گردید و سرانجام این حکومت در سال ۱۳۲ ساقط شد و عباسیان بر مسند خلافت نشستند. در این میان، زمینه مساعدی برای نشر حقایق اسلامی فراهم آمد امام محمدباقر و امام صادق علیه السلام توانستند هزاران تن از مسلمانان مستعد را با روح تعلیمات اسلامی آشنا کند و معلومات دینی وسیعی (در الهیات، فقه، حقوق، سیاست، اخلاق و...) در اختیار جامعه اسلامی، به ویژه طرف‌داران آل علی علیه السلام قرار بدهند (حکیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰).

پرورش شاگردان و دانشمندان اسلامی

گزینش و پرورش گروهی از دانشمندان اسلامی بر مبنای دیدگاه‌های امام محمدباقر علیه السلام و گسیل کردن آنان به شهرهای بزرگ اسلامی به منظور ارائه درست نظریات آن حضرت و در نتیجه خنثی کردن تبلیغات دراز مدت امویان در معرفی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نیز نفی گرایش‌های غلوآمیز برخی از پیروان اهل بیت، برخورد صریح و قاطع با غالیان و اظهار بی‌زاری از سران آنان، از جمله مغیره بن سعید و بیان بن سمعان جزو اقدامات مهم ایشان به شمار می‌رود (کشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۸).

امام محمدباقر علیه السلام و پرورش شاگردان ویژه

از معروف‌ترین یاران و شاگردان امام محمدباقر علیه السلام، علاوه بر جابر بن یزید و ابان بن تغلب، می‌توان از کسانی چون ابوحمزه ثمالی، حُمران بن اَعین، محمد بن مسلم ثقفی، زُرارة بن اَعین، معروف

اسلامی می پرداخت. علاوه بر آن، ایشان با جمع‌آوری احادیث ثقه، به دنبال آن بودند که روش فهم احادیث را در متن، به صحابه و دیگر دانشمندان عصر بیاموزند (رفیعی و آقایی، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

امام محمدباقر علیه السلام بخشی از وقت خود را به بیان مباحث تفسیری اختصاص داده بود که برگزاری جلسات تفسیر و پاسخ به سؤالات و شبهات دانشمندان و سایر مردم از جمله آنهاست. گفته می‌شود امام محمدباقر علیه السلام کتابی در تفسیر قرآن نوشته است که محمد بن اسحاق ندیم در کتاب الفهرست، از آن نام برده است (ابن ندیم، بی تا، ص ۵۹). امام محمدباقر علیه السلام، معرفت و شناخت قرآن را منحصر در اهل بیت می دانست. چرا که آنان هستند که می‌توانند محکومات قرآن را از متشابهات و ناسخ و منسوخ تشخیص دهند و چنین عملی در نزد هیچ کس غیر از اهل بیت وجود ندارد به همین دلیل است که ایشان فرموده اند: هیچ چیزی به اندازه تفسیر قرآن از عقل مردمان دور نیست. چرا که یک آیه که کلامی متصل است اول آن درباره یک مسئله و آخر آن درباره مسئله دیگر و این کلام متصل به چند وجه برگشت داده می‌شود (گروه مولفان، ۱۳۸۵، ص ۳۲۰).

۲- حدیث

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نوشتن حدیث ممنوع شد به طوری که مدت‌ها مردم از نوشتن آن کراهت داشتند، حتی برخی از محدثین اهل سنت در قرن سوم نیز از نوشتن حدیث خودداری می‌کردند (دارمی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۸۲، ۴۴۱-۴۶۱) در برابر این روش، اهل بیت عصمت از اول، اصحاب خود را به نوشتن احادیث و حفظ آن، تشویق می‌فرمودند (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۱۶۸).

امام محمدباقر علیه السلام به شکلی خاص به احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله اهمیت می‌داد، حضرت تنها به نقل حدیث و انتشار آن اکتفا نکرده، بلکه اصحاب خود را به همت گماشتن در فهم حدیث و آشنایی پیدا کردن با معانی آن فرا می‌خواند. ایشان در جمله ای فرمود: مراتب شیعیان ما را با میزان روایت کردن آنان از احادیث اهل بیت و معرفتشان به آن احادیث بشناسید و معرفت، همان شناخت روایت و درایة الحدیث است و با درایت و فهم روایت است که مؤمن به بالاترین درجات ایمان می‌رسد (قرشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۱).

۳- کلام

در زمان امام محمدباقر علیه السلام با توجه به فرصت ایجاد شده و کمتر شدن فشار و کنترل از سوی حاکمیت، زمینه برای ظهور و بروز عقاید و افکار مختلف به وجود آمد که خود این باعث ایجاد و رواج افکار انحرافی در جامعه شد، در این شرایط امام می‌بایست ضمن بیان عقاید اصیل و صحیح شیعی و رد عقاید باطل، شبهات مربوطه

را پاسخ دهد. لذا امام بحث‌های کلامی خود را ناظر به این امور مطرح می‌کرد. از جمله این مباحث می‌توان به عاجز بودن عقل انسان از درک حقیقت خداوند، ازلی بودن واجب الوجود و وجوب اطاعت امام علیه السلام اشاره کرد (قرشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۵). میراث دیگری نیز از امام به یادگار مانده است که میراث فقهی و میراث تاریخی از آن جمله است (گروه مولفان، ۱۳۸۵، صص ۳۳۰-۳۳۴). به هر حال باید گفت که امام از فرصت پیش آمده به نیکوترین وجه استفاده کرد و کوشید تا جامعه را تحت تأثیر دانش بیکران خود قرار دهد و رسالت انسان‌سازی خود را تا ابد بخشد و در حقیقت به عنوان متبحرترین و فاضل‌ترین مردم زمان خود در آمد.

تأسیس فرهنگ مکتوب

مهم‌ترین حرکت امام محمدباقر علیه السلام در این عصر، تأسیس فرهنگ مکتوبی است که جلوه‌های آن در دانشگاه امام صادق علیه السلام و آثار علمی متعدد بعداً نمودار شد. این تعبیر که رسانه‌ای شدن مفاهیم منجر به مهاجرت آن می‌شود، می‌تواند در توضیح حرکت امام محمدباقر علیه السلام و تلاش ایشان برای ایجاد فرهنگ مکتوب و استفاده از کتاب که امروزه به عنوان یک رسانه نیز تلقی می‌شود، کارساز افتد. توصیه امام محمدباقر و امام صادق علیه السلام نیز به شاگردان در مکتوب کردن، یکی از شیوه‌های مانایی علوم و در امان ماندن آن از گزند فراموشی و نابودی بوده است. با مکتوب کردن علوم، شخص از دانش و یافته‌های علمی‌اش بر اثر فراموشی و ماندن آن محروم نمی‌شود و نسل‌های بعد از دانش مکتوب بهره‌مند می‌شوند. امام صادق علیه السلام فرمود: هر آنچه می‌دانی، بنویس و آن را در بین برادرانت منتشر کن و موقعی که می‌میری، کتاب‌هایت را برای فرزندان به ارث بگذار (جعفریان، ۱۳۶۹، صص ۳۵۷-۳۵۸). ایشان با تشویق شاگردان خویش به کتابت، سبب شد چهارصد کتاب و رساله در دوره‌های درس او تألیف شود. همچنین حضرت درباره حفظ کتاب‌ها و راه اندازی کتاب‌خانه‌ها، بسیار تأکید می‌فرمود. همه اینها سبب شد تا به وسیله امام جعفر صادق علیه السلام که بزرگ‌ترین دانشگاه زمان خود را تأسیس کرده بود، مهم‌ترین میراث فرهنگی در تاریخ اسلام محفوظ بماند و به دست آیندگان برسد (حکیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵).

بسترسازی پژوهش‌های علمی

در همین زمینه می‌توان به حرکت پرشور قرن‌های دوم و سوم اسلامی اشاره کرد که به قول شهید مطهری تا قرن هفتم ادامه داشت. این دوران شکوه مند اسلامی که به «نهضت ترجمه» مشهور شد، چیزی نبود جز گردآوری دانشمندان مختلف از اقصی



قرآن، سیره و فنون اخلاق و آداب بدان حد است که تا آن روز از هیچ یک از فرزندان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به جا نمانده بود (شیخ مفید، ۱۳۸۰، ص ۵۰۷). با ظهور امام محمد باقر (ع) قدم مهمی در فقه برداشته شد و یک جنبش فرهنگی تحسین برانگیزی به وجود آمد. در این عصر بود که شیعه تدوین فرهنگ خود - شامل فقه و تفسیر و اخلاق - را آغاز کرد (نک: جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ۲۹۵). امام محمد باقر (ع) استدلال‌های اصحاب قیاس را به تندی رد کرد (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۳۹) و در برابر سایر فرق اسلامی منحرف نیز موضع تندی اتخاذ کرده و با این برخورد کوشید محدوده اعتقادی صحیح اهل بیت را در زمینه‌های مختلف از سایر فرق، مشخص و جدا کنند. وی درباره خوارج فرمود: خوارج از روی جهالت عرصه را بر خود تنگ گرفته اند، دین ملایم تر و قابل انعطاف تر از آن است که آنان می شناسند (کشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۴۱). شهرت علمی امام محمد باقر (ع) نه تنها در حجاز، بلکه حتی در عراق و خراسان نیز به طور گسترده فراگیر شده بود، چنان که راوی می گوید: دیدم که مردم خراسان دورش حلقه زده و اشکالات علمی خود را از او می پرسند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۶۶؛ مجلسی، بی تا، ج ۴۶، ص ۳۵۷).

امام محمد باقر (ع) اولین احیاگر فرهنگ و تمدن اسلامی

هر چند سیاست جلوگیری از تدوین احادیث نبوی (ص) با شعار «کافی بودن قرآن» پیش می رفت، اما از عمل به قرآن خبری نبود و فقط از آن به صورت ابزاری برای جلوگیری از نشر معارف اهل بیت (ع) و زنده شدن نام آنها استفاده می شد. کتاب خدا به ابزاری برای دست یابی به اغراض سیاسی و سرکوبی پیروان اهل بیت (ع) با تأویل و تفسیر به رأی، به ابزار سرکوبی مخالفین تبدیل شده و در واقع، قرآن در انزوای شدید بود.

امام محمد باقر (ع) در جایگاه بهترین مفسر قرآن با بازگو کردن تفسیر درست آیات، بسیاری از ابهام‌ها را زدود و مشقت مخالفین و سودجویان را باز کرد. او همواره برای به اثبات رسانیدن مدعاهای خود از آیات قرآن بهره می جست و کلام خدا را گواه بر سخن خویش می گرفت و می فرمود: «هر چه رامی گویم از من سؤال کنید در کجای قرآن آمده تا آیه مربوط به آن را برایتان تلاوت نمایم (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶۹)». امام به اندازه‌ای بر آیات قرآن تسلط داشت که «مالک بن اعین جهنی» شاعر هم عصر امام درباره او سرود: «اگر مردم در صدد جست و جوی علوم قرآن برآیند، باید بدانند که قریش بهترین دانای آن را دارد و اگر امام محمد باقر (ع) در علوم قرآنی لب به سخن گشاید، فروع زیادی برای آن ترسیم خواهد نمود... (ابن عنبه، ۱۳۶۲، ص ۱۹۵؛ شیخ مفید، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲۶)».

نقاط جهان با فرهنگ و اعتقادات مختلف در کنار هم به دنبال افزایش قلمرو و تقویت بنیه های علمی، پایه های رشد نهضت ترجمه نیز فراهم شد. به نحوی که دانشمندان از همه نقاط جهان اسلام، اعم از: علمای صابئی، نصرانی، یهودی، مسلمان و زرتشتی گرد هم آمدند و بعدها نظامیه بغداد را با هزاران جلد کتاب، مرکز دانش اندوزی خود قرار دادند (مطهری، ۱۳۶۷، صص ۶۲-۶۳).

افزایش قلمرو علم و دانش

تا قبل از امام محمد باقر (ع) حوزه علم، در نظام خلفای بنی امیه تا اندازه زیادی وابسته به دربار بود. نباید فراموش کرد که خلفای بنی امیه سعی داشتند نهضت علم گزایی را در قالب علوم حکومتی بدون پرداختن به مسائل مردم، عمده کرده و نخبگان عصر را در آن چارچوب هدایت کنند (گروه مولفان، ۱۳۸۵، ص ۶۵).

رشد و بالندگی فرهنگ اسلامی

با این که آغاز امامت حضرت باقر (ع) با خلافت ولید بن عبدالملک (م ۹۶) همراه بود و در شرایط نامساعد اجتماعی قرار داشت، اما توانست نهضتی علمی را پایه گذاری کند که تا آن زمان در اسلام بی سابقه بود. در آن دورانی که معارف پراچ اسلام به دلیل ممنوعیت نشر احادیث می رفت که کم کم به دست فراموشی سپرده شود (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۱۰). امام محمد باقر (ع) با دوران‌دیشی و تحمل مشکلات بسیار و با جنبش علمی دامنه داری که پدید آورد، توانست مقدمات تأسیس یک دانشگاه بزرگ اسلامی را پی ریزی نماید و معارف والای اسلام را به سراسر جامعه اسلامی برساند.

امام با این اقدامات، یک نوع خیزش علمی و فرهنگی را در جهان اسلام شروع کرد که بستریک نهضت فرهنگی بنیادین شد و ثمرات شکوهمند آن، در دوره های بعدی به خوبی نمایان شد. از این رو، دوران امام محمد باقر و امام صادق (ع) را دوران طلایی شکوفایی فرهنگ اسلامی گفته اند.

نهضت علمی در عصر امام محمد باقر (ع)

سال های ۹۴ تا ۱۱۴ قمری زمان پیدایش مسلک های فقهی و اوج گیری نقل حدیث درباره تفسیر بود و این به دلیل ضعیف شدن دولت بنی امیه و درگیری میان سران دولت برای در اختیار گرفتن قدرت بود. از علمای اهل سنت کسانی مانند ابن شهاب زهری، مکحول، هشام بن عروه و... در زمینه نقل حدیث و فتوا دادن فعالیت می کردند و افراد دیگری در ترویج عقاید خود تلاش می کردند مانند خوارج، مرجئه، کیسانیه و غالیان (طوقوش، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴). امام محمد باقر (ع) در این دوره، جنبش علمی وسیعی را به وجود آورد که در دوره امامت فرزندش امام صادق (ع) به اوج خود رسید. روایات و احادیث وی در زمینه علم دین، آثار و سنت نبوی، علوم



در آخر

آگاهی از معارف دینی و علوم بشری در راستای هدایت تشریحی، احیاء تفکر اسلامی و فرهنگ غنی اسلامی به منظور اداره امور مسلمین در ابعاد فردی و اجتماعی، لازمه امامت است. حضور علمی امامان باقر و صادق علیه السلام در عصر خود و بی نقص بودن نظریات ایشان و آشکار نمودن علوم خود، حاکی از آن است که سایر امامان به اندازه ایشان فرصت و موقعیت مناسب پیدا نکردند تا فرهنگ و تمدن ناب اسلام را تبیین نمایند. بی شک اقدامات علمی در حیات ارزشمندشان مرهون وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی منحصر به فرد آن عصر و اقدامات امام محمد باقر علیه السلام در راستای اعتلای فرهنگی و تمدنی و زمینه ساز برای تأسیس دانشگاه بزرگ جعفری است. به گواهی مورخان و محققان اسلامی حضرت امام محمد باقر علیه السلام در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در آن مقطع حساس تاریخ اسلام نقش مهمی داشته است.

نقل می‌کرد و آن همان از طریق پدرش امام محمد باقر علیه السلام و او از پدرش علی بن الحسین علیه السلام و او از پدرش حسین بن علی علیه السلام و او از پدرش علی بن ابیطالب علیه السلام و او هم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و این ائمه بزرگوار در مواردی که روایتی از آباء طاهرین خود نداشته باشند خود منبع فیاض مستقیم احکام الهی هستند. در نیمه اول قرن دوم هجری فقهای طراز اولی مانند ابوحنیفه و امام مالک بن انس و...، محدثان بزرگی مانند سفیان شوری و شعبه بن الحجاج و سلیمان بن مهران اعمش ظهور کردند. در این دوره است که فقه اسلامی به معنی امروزی آن تولد یافته و روبه رشد نهاده است؛ و نیز آن دوره عصر شکوفایی حدیث و ظهور مسائل و مباحث تفسیری، فقهی و کلامی مهم در بصره و کوفه بوده است.

منابع:

- ۱- ابن اثیر، الكامل فی التاريخ.
- ۲- پیشوایی، مهدی. (۱۳۷۵). سیره پیشوایان.
- ۳- جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیه السلام.
- ۴- حکیمی، بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی.
- ۵- رفیعی، آقایی، آموزه‌هایی از نهج البلاغه.
- ۶- شهیدی، آشنایی با زندگانی امام صادق سلام الله علیه.
- ۷- شهیدی، زندگانی امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام.
- ۸- شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد.
- ۹- صدر، ادیان در خدمت انسان.
- ۱۰- طقوش، دولت عباسیان.
- ۱۱- قیومی اصفهانی، صحیفه امام محمد باقر علیه السلام.
- ۱۲- گروه مولفان. پیشوایان هدایت (حضرت امام محمد باقر علیه السلام).
- ۱۳- مدیر شانه جی، علم الحدیث و درایه الحدیث.
- ۱۴- مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار علیه السلام.
- ۱۵- ابن خلکان، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان.
- ۱۶- ابن سعد، الطبقات الكبرى.
- ۱۷- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب.
- ۱۸- ابن عماد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب.
- ۱۹- ابن عنبة، عمدة الطالب فی أنساب آل ابی طالب.
- ۲۰- ابن ندیم، الفهرست لابن الندیم.
- ۲۱- ابن قتیبه، عیون الأخبار.
- ۲۲- ابوزهره، الامام الصادق.
- ۲۳- اربلی، کشف الغمة.
- ۲۴- حر عاملی، وسائل الشیعه.
- ۲۵- دارمی، سنن الدارمی.
- ۲۶- ذهبی، سیر اعلام النبلاء.
- ۲۷- شهرستانی، عبدالکریم الملل والنحل.
- ۲۸- طبرسی، فضل بن الحسن. اعلام الوری باعلام الهدی.
- ۲۹- عسکری، مرتضی. معالم المدرستین.
- ۳۰- قرشی، باقر شریف. حیاة الإمام محمد الباقر علیه السلام.
- ۳۱- کشی، اختیار معرفة الرجال.
- ۳۲- کلینی، اصول الکافی.
- ۳۳- مجلسی، بحار الأنوار.

می‌توان گفت تحول علمی و فضای باز سیاسی، پیش از دوران امام صادق علیه السلام، یعنی از دوران زندگانی پدر بزرگوارش حضرت امام محمد باقر علیه السلام آغاز شد و در دوران زندگی امام صادق علیه السلام این تحول شگرف علمی و فرهنگی تداوم یافت. حرکت علمی امام صادق علیه السلام در عصر جنبش فکری و فرهنگی مسلمانان شکل گرفت. در این زمان عطش شدیدی از سوی مسلمین برای یادگیری و علم آموزی مشاهده می‌شد و علت آن علاوه بر تعالیم متعالی اسلام درباره علم آموزی، حضور تازه مسلمانانی بود که دارای سابقه ای درخشان و تمدنی کهن و پربار بودند؛ لذا با توجه به شرائط و وجود بستر مناسب فکری و فرهنگی و آمادگی جو غالب جامعه که در تداوم حرکت عظیم علمی و فرهنگی حضرت باقر العلوم علیه السلام بود و دانشگاه بزرگ جعفری را تأسیس شد.

پس از امام محمد باقر علیه السلام با پیگیری های مداوم فرزند بزرگوارش، یگانه دوران، امام جعفر صادق علیه السلام راه و روش علمی - کلامی آن امام گرامی به ثمر نشست و حاصل آن، پایه گذاری مکتب علمی - کلامی تشیع شد. بیش تر فعالیت ها و بیانات اعتقادی امام محمد باقر علیه السلام پیرامون دو اصل توحید و امامت دور می‌زد، زیرا این دو اصل بیش تر معرکه آرا بود. در بررسی علل شکوفایی علوم اسلامی در زمان امام صادق علیه السلام، به یک عامل مهم و مؤثر دیگر نیز در این زمینه بر می‌خوریم که ما از آن به عنوان «عامل پیشینی» یاد می‌کنیم؛ و آن: «نقش امام محمد باقر علیه السلام» در پویایی علوم اسلامی است.

حضرت امام صادق علیه السلام در این دوره در محیط مدینه که محل ظهور تابعین و محدثان و راویان و فقهای بزرگ بوده، بزرگ شد، اما منبع علم او در فقه نه «تابعیان» و نه «محدثان» و نه «فقها» ی آن عصر بودند بلکه او تنها از یک طریق که اعلاء و اوثق طرق بود

يَا مُحَمَّدٌ صَلِّ وَسَلِّمْ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَاقِرُ بِعِلْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاحِصُ
عَنْ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُبِينُ لِحُكْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الْقَائِمُ بِقِسْطِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِحُ لِعِبَادِ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّلِيلُ عَلَى
اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَبْلُ الْمَتِينُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَضْلُ
الْمُبِينُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ
الْأَمِيعُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْإِبْلَاجُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ
الْأَسْرَجُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّجْمُ الْأَزْهَرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْكَوْكَبُ الْإِبْهَرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنَزَّهُ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَعْصُومُ مِنَ الزَّلَّاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّكِيُّ فِي
الْحَسَبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّفِيعُ فِي النَّسَبِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَصْرُ الْمَشِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ